1395.02.29

بسم الله الرحمن الرحیم

# خلاصه مباحث

درباره حدیث حل از ادله برائت بحث می شد. بیان شد؛ تعبیر موجود در احادیث حل به دو تعبیر بازگشت دارد. یک تعبیر «کل شیء هو لک حلال حتی تعرف انه حرامٌ بعینه فتدعه» که در روایت مسعده بن صدقه وارد شده و یک تعبیر «کل شیءٍ فیه حلالٌ و حرام فهو لک حلال حتی تعرف الحرام منه بعینه فتدعه» که در روایت عبد الله بن سلیمان، عبد الله بن سنان، معاویه بن عمار عن رجلٍ و حسین بن ابی غندر وارد شده است.

## تمسک به حدیث حل در شبهات حکمیه

بیان شد؛ به نظر ما همانگونه که مرحوم آقای داماد نیز استظهار کرده­اند، موضوع تعبیر دوم احادیث حل علم اجمالی است اما؛ مرحوم آقای داماد از ناحیه دیگری به استدلال به این تعبیر احادیث حل در برائت اشکال دارند و تمسک به این احادیث را در شبهات حکمیه صحیح نمی دانند.

ایشان می فرمایند: ظاهر این تعبیر حدیث حل این است که در مقام بیان اصل قاعده نبوده و تنها برای دفع مانع است. حدیث حل به علت مفروض گرفتن وجود حلال و حرام، در مقام نفی مانعیت علم اجمالی در اجرای برائت است و در مقام بیان جزئیات حکم مفروغ عنه که برائت است، نمی باشد. به طور کلی در مواردی که اصل حکم مفروض بوده و دلیل در مقام بیان موانع یا رفع موانع باشد، نمی­توان از ناحیه اصل حک اطلاق گرفت. مثلا اگر در دلیلی برای نفی مانعیت فسق بیان شود: اکرم الهاشمی الفاسق، نمی توان به این دلیل برای نفی قیود اصل حکم تمسک کرد و امکان دارد در وجوب اکرام هاشمی قیودی مثل ایمان شرط باشد. در حدیث حل نیز چون شارع در مقام بیان اصل حکم برائت نبوده و در مقام بیان رفع مانعیت علم اجمالی است، نمی توان به اطلاق آن تمسک کرد و برائت را در شبهات حکمیه نیز جاری دانست. به همین سبب اگر قاعده برائت تنها در شبهات موضوعیه جاری باشد، با حدیث حل تنافی نخواهد داشت. پس می توان بیان داشت: روایتی که در مقام بیان اصل حکم نباشد، نسبت به اصل جعل حکم اطلاق ندارد.

این بیان در روایت مسعده به صدقه جاری نمی شود زیرا؛ ظاهر روایت مسعده بن صدقه بیان اصل جعل حکم است و می گوید کل شیء هو لک حلال حتی تعرف انه حرام بعینه. بله در این حدیث غایت حلیت علم تفصیلی به حکم قرار داده شده و علم اجمالی به حکم را موجب حرمت نداسته است اما؛ در موضوع وجود علم اجمالی را مفروغ نگرفته است. روایت مسعده را باید این گونه معنا کرد: کل شیء مشکوک الحل و الحرمه فهو لک حلال الی ان یحصل لک العلم التفصیلی بالحرمه. به همین سبب از این ناحیه اشکالی در تمسک به روایت مسعده بن صدقه در شبهات حکمیه وجود ندارد.

## روایت مسعده در مقام دفع مانع است

ممکن است اشکال شود که روایت مسعده نیز در مقام بیان اصل حکم نبوده و برای بیان دفع مانع است. در ذیل روایت برای تمسک به برائت مثال هایی زده شده و مثلا بیان شده است: و ذلک مثل الثوب یکون قد اشتریته و هو سرقه. ظاهر مثال ها این است که روایت مسعده در مقام دفع توهم مانعیت مخالفت اصل عملی با واقع است. اما این اشکال صحیح نیست زیرا؛ صدر روایت عام بوده و ذیل نیز ظهور در تقیید صدر ندارد. ذیل از این باب بیان شده که با توجه به انتظار مطابق احتیاط بودن احکام دین در جامعه، تمسک به برائت غریب می باشد. بر همین اساس امام علیه السلام برای رفع این غرابت با امثله و تنظیرهایی ذهن مخاطب را برای پذیرش حکم مجاب می کند و در مقام بیان تقیید حکم بیان شده در اصل روایت نیستند. به عنوان نمونه در ذیل آیه کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم، آمده است: یرید الله بکم الیسر، این ذیل تنها برای آماده کردن مخاطبین در پذیرش حکم است و نمی تواند قرینه بر این باشد که آیه شریفه تنها در مقام دفع مانع است. حتی اگر دفع استغراب بر اصل حکم نیز مقدم باشد نمی تواند موجب مفروغیت اصل حکم گردد. مثلا در آیه جهاد ابتدا بیان شده است: و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه این آیه برای دفع استغراب به هلاکت افتادن در جهاد است و بیان می دارد که جهاد نکردن موجب هلاکت است نه به جهاد رفتن. اما بدین معنا نیست که اصل حکم جهاد مفروغ بوده و این آیات تنها برای دفع مانع است و نمی تواند اطلاق داشته باشد.

پس صرف دفع مانعی در ذیل دلیل بر تقیید صدر نبوده و نمی توان گفت روایت مسعده تنها برای دفع مانع است همانگونه که نمی توان گفت آیه شریفه تنها برای دفع استغراب حکم است.

## تمسک به ذیل روایت برای اختصاص حدیث حل به شبهات موضوعیه

شهید صدر پس از بیان استدلال مرحوم شیخ در اختصاص حدیث حل به شبهات حکمیه، اشکال ایشان را ناتمام دانسته و به شبهات حکمیه مفهومیه نقض می کنند. مرحوم شیخ، با تمسک به ظهور فعلیت تقسیم به حلال و حرام نه صرف تردید و منشأیت وجود قسم حلال و حرام برای شک در حکم، حدیث حل را مختص به شبهات موضوعیه دانسته است زیرا؛ در شبهات موضوعیه قسم حلال و حرام خارجیت داشته و منشأ شک در حکم فرد مشکوک شده است. اما در شبهات حکمیه این بیان جاری نمی باشد.

شهید صدر در نقض این استدلال می فرماید: در شبهات حکمیه مفهومیه نیز قسم حلال و حرام فعلیت داشته و منشأ شک در حکم شده است. ایشان این گونه مثال آورده است که اگر بدانیم آب مطلق حلال و گل حرام است و آبی را که با خاک مخلوط است ندانیم آب مطلق است یا گل بدین خاطر که مفهوم آّب مطلق برای ما روشن نیست، کلام مرحوم شیخ نقض شده است.

سپس ایشان برای تتمیم استدلال مرحوم شیخ به حتی تعرف الحرام منه بعینه تمسک کرده و می فرمایند: ظاهر این تعبیر تعیین خارجی حرام است نه تعیین عنوان حرام در عالم الفاظ. بر همین اساس این تعبیر تنها در شبهات موضوعیه امکان حصول داشته و می توان حدیث حل را به شبهات موضوعیه اختصاص داد.[[1]](#footnote-1)

به نظر می رسد این سخن ناتمام باشد زیرا؛ بعینه در مقابل علم اجمالی استعمال شده و به هیچ وجه به معنای تعین خارجی نیست. بر همین اساس حدی حل موردی را که یقین به وجوب یکی از دو شیء وجود داشته و در تعیین آن ولو به نحو شبهه حکمیه مفهومیه تردید وجود داشته باشد، شامل بوده و مراد از علم به حرام بعینه علم تفصیلی و تعیین حرام خواهد بود.

## اشکالی عام در روایات دال بر برائت

همانگونه که در حدیث رفع نیز بیان شد؛ اشکال حاج آقا در شمول اخبار استصحاب نسبت به شبهات حکمیه در تمسک به احادیث برائت در شبهات حکمیه نیز جاری است. ایشان می فرمودند: روایات استصحاب نسبت به فحص و عدم فحص اطلاق دارد. از سویی دیگر می دانیم که در شبهات حکمیه نمی توان قبل از فحص استصحاب جاری کرد. حال باید در روایت استصحاب، تصرفی انجام داد. امکان دارد اطلاق افرادی حدیث را تقیید کرده و مختص به شبهات موضوعیه بدانیم که فحص در آنها لازم نیست و امکان دارد اطلاق احوالی را تقیید کرده و شبهات قبل از فحص را از حدیث خارج بدانیم. به این علت که برای تقدیم هیچ یک بر دیگری دلیلی نداریم، امر دائر بین تقیید افرادی یا تقیید احوالی است و در نتیجه نمی توان اطلاق این حدیث را نسبت به شبهات حکمیه اثبات کرد.

عین این بیان در حدیث رفع نیز جریان دارد. حدیث رفع نسبت به فحص و عدم فحص اطلاق دارد و می دانیم که در شبهات حکمیه نمی توان قبل الفحص به برائت تمسک کرد. در نتیجه امر دائر بین تقیید افرادی یا تقیید احوالی نیست و اطلاق روایت نسبت به شبهات حکمیه اثبات نمی گردد. این اشکال در احادیث حل پررنگ تر است زیرا؛ در این روایت - که اکثر آنها درباره جبن وارد شده – از فحص نهی شده و به تمسک به برائت قبل الفحص دستور داده است. ادامه مباحث انشاء الله در سال آینده.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و ال محمد

1. مباحث الأصول، ج‏3، ص: 279 [↑](#footnote-ref-1)